

انا کذا غاوين انجی این چنین است بلکه شما بنودیدید
و بنودیدید بندها که گاه کردیم شما را بر شرک بلکه بودید شما
که راه پس حق در است شرف ایان بایان برستی که
ما این چنین است غلب پس که راه کردیم برای اینکه بودیم بایان
که راه کسی که ضعیف بودند در دنیا خواهند گفت که
که یک سیکه در آن نادر دنیا واقع بودند از ایمان +
انا کذا که تبعاً فعلی نامم مغنور عننا من عذاب
الله من شیء برستی که بودیم بایان ایمان تابع شما
پس آیا شما خلاص کنید کسان سید ایمان را از عذاب
اندکی خواهی گفت بگران لوهدانا الله له
سواء علینا اجر عننا اه صبرنا ما لنا محض
اگر بایست می کرد ما را الله بر این تیردایت می کردیم شما را
بر بستی نالیدن ایمان و صبر ایمان نیست ایمان

خلاص

خلاص از نار چون متنازعت ایشان با خود با این
نوبت رسد شیطان بگوید که تو مرا درین عذاب گرفتار
کردی پس بگو پیش طان ان الله وعدکم و وعدتکم
فاخلفتمکم وما کان لی علیکم من سلطان الا
ان دعوتکم فاستجبتم لی فلاتمونی فی موتکم
الفسکمه ما انا بمصر حکم و ما انتم بمصریحی
ان کفرت بما اشکرکون من قبل ان الظالمین
لهم عذاب الیم یعنی برستی که شروع کرده بود
شما رعد حق و من وعده کردم پس خلاف کردم ان
و بنودیدید شما که وعده نامنط کردم شما را بر کفر را
دعوت کردم شما را بر شرک پس قبول کردید شما را دعوت
از اختیار خود پس ملامت نخبی مرا و ملامت کین نفسها
خود را که دعوت الله را قبول نکردید و دعوت را قبول کردید